

آفت در آمد نفت در بودجه‌های سالانه ما!

نوشته دکتر انور خامه‌ای

طرح بودجه سال آینده در مجلس شورای اسلامی، که در آن عمدتاً بر درآمد حاصل از محل بهره‌برداری از نفت و صادرات آن تکیه شده است، تشکیل جلسه عمومی شورای اوبیک و آشکار شدن دشواریهایی که این سازمان برای تثبیت بهای نفت با آن روبه رو است، و برگزاری کنفرانس بین‌المللی نفت با شرکت نزدیک به ۵۰ کمپانی مهم نفتی جهان در تهران، ما را بر آن می‌دارد که نگاهی عام به نقش نفت در اقتصاد و بودجه کشورمان بیفکنیم و روشهای گوناگون بهره‌بری از این منبع بزرگ ثروت طبیعی خود را بیازمائیم و بهترین راه استفاده از آن را تشخیص دهیم. لیکن نخست شایسته است نظری به پیشینه امر درآمد نفت و نقش آن در توازن بودجه کشور بیاندازیم.

نخستین بار درآمد نفت در سال ۱۲۹۹ شمسی در بودجه دولت ظاهر شد و علت آن هم این بود که پس از چند سال کشمکش میان دولت و شرکت نفت انگلیس و ایران برای وصول حق‌الامتياز و بدهی‌های دیگر شرکت به دولت ایران سرانجام شرکت حاضر شد مبلغ ۱۳۲۵۰۰۰ لیره بابت کل تعهدات خود از آغاز بهره‌برداری از منابع نفت تا سال ۱۹۱۹ میلادی بپردازد. شرکت مزبور همچنین بابت حقوق ایران در سال ۲۰-۱۹۱۹ (۱۲۹۸) ۴۷۰ هزار لیره به دولت ایران پرداخت که این مبلغ در بودجه سال ۱۲۹۹ جزو عایدات محسوب شد.^(۱) از آن تاریخ تا سال ۱۳۰۷، همه ساله مبلغ پرداخت شده از سوی شرکت نفت جزو درآمدهای دولت در بودجه منظور می‌شد. مثلاً در بودجه این سال اخیر که جمع عایدات آن ۲۷۳/۹ میلیون ریال بود ۵۹/۶۴ میلیون آن از محل درآمد حق‌الامتياز نفت تأمین شده بود که ۲۰/۶ درصد از کل عایدات را تشکیل می‌داد.^(۲)

نکته گزافی این است که در این سالها تمام مبلغ دریافتی از شرکت وارد بودجه نمی‌شد بلکه به حساب ذخیره دولت می‌رفت و تنها بخشی آن که برای موازنه بودجه ضروری بود، برداشت می‌شد.

اما در سال ۱۳۰۸ دولت تصمیم گرفت بودجه کشور را از عایدات نفت برکنار نگاه دارد، زیرا کشور به تدریج وضع ثابت و استواری بخود گرفته و بر اثر افزایش تولید و صادرات، درآمد دولت از محل مالیات و گمرک و عوارض دیگر بخدای رسیده بود که نه تنها کفاف هزینه‌های جاری دولت را می‌کرد بلکه برای تأمین مسخرجات کارهای عمرانی مانند ساختمان راه آهن سراسری، احداث راه‌های شومس و غیره نیز کافی بود. از این رو دولت بودجه این سال را بدون استفاده از درآمد

نفت و در نتیجه با ۴۸ میلیون ریال کسری تقدیم مجلس کرد به این امید که کسری مزبور را به وسیله اضافه درآمد انحصار دخانیات و وضع عوارض و مالیاتهای جدید جبران خواهد کرد. این تحول مهم را در لایحه بودجه سال ۱۳۰۸ با عبارت زیر ذکر کرده بودند:

«مسلماً است که از دیاد مخارج خارج از اعتبارات سنه ماضیه سبب اضافه خرج بر دخل می‌شود بخصوص که عواید نفت جنوب را هم که یکی از منابع مهم عایدات مملکتی است دولت در حساب مخصوص به عنوان ذخیره علیحده نگاه داشته و از ضمیمه کردن آن به بودجه عایدات و مصرف کردن برای مخارج عادی خودداری نموده است. لیکن این کسر دخل که بالغ بر چهار میلیون و نیم تومان است چندان اسباب وحشت و اضطراب نیست، زیرا عواید مالیات جدید ذبایع و اضافه عایدات حاصله از



دکتر انور خامه‌ای

انحصار توتون و تنباکو، که قانون آن تحت شور و مباحثه است قسمت عمده این کسور را جبران خواهد کرد.»^(۳)

بدین سان از این سال درآمدهای حاصل از امتیاز نفت جنوب به این ذخیره جداگانه واریز می‌شد که حسابداری کشور از آن آگاهی نداشت. باید تذکر دهم که از سال ۱۹۱۹ میلادی یعنی از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۸ شمسی هجری جمعاً ۲۸۲۶۱۴۶ لیره برابر ۱۳۵۶۵۵۰۰ ریال بابت عواید نفت جنوب به صندوق دولت پرداخت شده و جزو بودجه این سالها به مصارف عادی و جاری دولت رسیده است.^(۴) یعنی بطور میانگین سالی ۱۳۵ هزار تومان که جزء کم اهمیتی از بودجه را تشکیل می‌داده است. اما از این سال (برابر ۱۹۲۹ میلادی) بر اثر افزایش سریع استخراج و گسترش تولید پالایشگاه آبادان درآمد شرکت نفت و بالتبع سهم دولت ایران بابت حق‌الامتياز به سرعت افزایش یافته و این سهم از ۱۳۴۱۰۰۰ لیره در سال ۱۹۲۹ به ۳۳۱۵۰۰۰ لیره در ۱۹۳۹ رسیده و شرکت نفت جمعاً بابت این ۱۱ سال ۲۱۹۶۸۰۰۰ لیره پرداخته که همه به حساب ذخیره جداگانه رفته است.^(۵) تا جایی که نگارنده این سطور کوشیده و تفحص کرده، نتوانسته است اطلاع دقیق و مستندی از محل نگاهداری این ذخیره، موارد مصرف و برداشت از آن، و سرانجام آن که چگونه

تصفیه شده است به دست آورد. بعضی از پژوهشگران اظهار داشته‌اند که این مبلغ در یکی از بانکهای لندن به حسابی واریز می‌شده و رضاشاه شخصاً از آن محل، سلاحهای سنگین مانند تانک و هواپیماهای نظامی برای ارتش ایران می‌خریده است. لیکن جز یک مورد خرید، مستند دیگری در این زمینه در دست نیست. و آن اجازه مصرف ۶۰ میلیون ریال «از محل ذخیره برای تهیه و تکمیل مهمات قشونی» است که می‌بایست «از صرفه‌جوییهای بودجه عمومی ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ مسترده شود.»^(۶) تازه این مورد نیز صراحت کافی ندارد و معلوم نیست برداشت و هزینه این ۶۰ میلیون ریال از همان «ذخیره علیحده» بوده است یا از جای دیگر.

نفت و بودجه سالهای جنگ

به هر حال این وضع همان گونه که گفتیم تا سال ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) ادامه می‌یابد. در این سال جنگ جهانی دوم آغاز می‌گردد و مشکلات ناشی از آن مانند جلوگیری نیروهای دریائی آلمان، ایتالیا و ژاپن از عبور نفتکشها در دریاهای آزاد، موجب کاهش تولید و صدور نفت از ایران می‌شود. شرکت نفت می‌کوشد سهم حق‌الامتياز ایران را به تناسب آن کاهش دهد و این اقدام با خشم و اعتراض رضاشاه مواجه می‌شود و سرانجام با مداخله دولت انگلیس، شرکت نفت قبول می‌کند که در تمام مدت جنگ بطور ثابت سالی ۴ میلیون لیره به دولت ایران بپردازد. از سوی دیگر در سال ۱۳۱۸ (ه. ش) در اثر گسترش برنامه‌های عمرانی ایران و آغاز جنگ جهانی، بودجه ایران برای نخستین بار پس از سال ۱۳۰۸ گرفتار کسری گردید و دولت ناچار شد این کسری را از محل درآمد نفت جبران کند. کسری بودجه سال ۱۳۱۸ برابر ۶۸۳ میلیون ریال بود و تمام ۴ میلیون لیره مزبور که برابر ۳۲۲ میلیون ریال می‌شد برای جبران آن وارد بودجه گردید که ۱۲/۳ درصد کل عایدات را تشکیل می‌داد.^(۷) از این سال به بعد تمام درآمد ایران از محل نفت مستقیماً وارد بودجه می‌شد و بخشی از عایدات را تشکیل می‌داد. تا سال ۱۳۲۴ شرکت نفت هر سال ۴ میلیون لیره به ایران می‌پرداخت ولی معادل ریالی آن در نتیجه تغییر نرخ تبدیل لیره به ریال متفاوت بود و سهم متغیری را در کل درآمدها تشکیل می‌داد. مثلاً در سال ۱۳۱۹ معادل ۳۲۲ میلیون ریال یعنی ۱۰/۴٪ کل عایدات بود. اما در ۱۳۲۰ که نرخ لیره از ۹۰ ریال به ۱۴۰ ریال افزایش یافت همان ۴ میلیون لیره معادل ۵۶۰ میلیون ریال یعنی ۱۵/۵٪ از کل درآمد دولت محسوب گردید. در ۱۳۲۱ نرخ مبادله لیره باز تعدیل و ۱۳۰ ریال تعیین شد و درآمد نفت (همان ۴ میلیون لیره) ۵۲۰ میلیون ریال تخمین زده شد و ۱۰/۲٪

کل عایدات دولت را تشکیل می‌داد. و این ترتیب تا سال ۱۳۲۴ باقی ماند و در این سال همان ۴ میلیون لیره ۱۱/۸۰٪ کل درآمد دولت ایران را تشکیل می‌داد. (۸) ناگفته نگذاریم که در این سالهای جنگ از یکسو سال به سال کسری بودجه دولت افزون می‌گردید و با گرفتن وام از بانک ملی یعنی انتشار اسکناس بیش از حد جبران می‌شد. حجم اسکناس در گردش که در سال ۱۳۲۰ برابر ۱/۸۵۰ میلیون ریال بود در سال ۱۳۲۳ به ۷۵۸۰ میلیون ریال رسید (یعنی بیش از ۴ برابر شد). بنابراین ۵۲۰ میلیون ریال (معادل ۴ میلیون لیره) که در این سال اخیر به عنوان درآمد نفت وارد بودجه شده بود سهم کوچکی از کل بودجه را تشکیل می‌داد. (۹) از سوی دیگر در این سالها به ویژه از ۱۹۲۲ میلادی به بعد بر اثر نیازهای جنگی متفقین

صرف نگاهداری صنایع عظیم نفت کند. من در کتاب اقتصاد بدون نفت؛ بگونه‌ای انکارپذیر نشان داده‌ام که دکتر مصدق در اجرای این سیاست کاملاً موفق بود و به مدد آن نه تنها توانست بحران اقتصادی را که دامنگیر کشور شده بود برطرف سازد، بلکه اقتصادی سالم و متعادل که رو به شکوفایی می‌رفت بنیاد نهاد. افسوس که شرکت‌های چندملیتی بزرگ نفت به کمک دولت‌های امریکا و انگلیس و همه دشمنان داخلی و خارجی ملت ایران با توطئه و خرابکاری و سرانجام کودتای مسلحانه این حکومت ملی را سرنگون ساختند و از نو بساط بهره برداری از تمام منابع نفت ایران حتی فلات قاره آن را مستردند. از این هنگام است که اقتصاد کشور ما بتدریج بسوی یک اقتصاد تک محصولی نفتی یعنی اقتصادی که عمدتاً

از اثرات کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ یکی هم این بود که اقتصاد ایران را تک محصولی کرد

شرکت بهره‌برداری از منابع نفت ایران را به حد فوق‌العاده‌ای افزایش داده و سود هنگفتی به چنگ آورده بود، در حالی که به دولت ایران همچنان همان مبلغ ثابت را می‌پرداخت. به عنوان نمونه مالیاتی که شرکت به دولت انگلیس می‌پرداخت از ۱/۹ میلیون لیره در ۱۹۲۹ به ۱۰/۶ میلیون لیره در ۱۹۴۴ رسیده بود، ولی ایران همچنان ۴ میلیون لیره را دریافت می‌کرد! (۱۰)

باری حتی در این سالهای جنگ و اشغال کشور توسط ارتشهای بیگانه چنانکه دیدیم سهم درآمد نفت در بودجه کشور از ۱۰ تا ۱۵ درصد کل عایدات کشور بیشتر نبود. در سالهای پس از پایان جنگ با آنکه وضع اقتصاد کشور بسیار وخیم و بحرانی و نیاز ما به ارز به ویژه لیره و دلار بی‌اندازه بود، با وجود این سهم درآمد از محل نفت در عایدات کشور هیچگاه به ۲۵٪ آن نرسید. در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ با دریافت سالی ۷/۱ میلیون لیره، این مبلغ به ترتیب ۱۶/۹٪ و ۱۹/۶٪ کل عایدات را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۲۷ شرکت ۹/۲ میلیون لیره به دولت ایران پرداخت که ۱۹/۶٪ کل درآمد را در بودجه کشور تشکیل می‌داد. این نسبت در سال ۱۳۲۸ به حداکثر خود یعنی ۲۲/۵٪ رسید که با پرداخت ۱۳/۵ میلیون لیره بطور علی‌الحساب از جانب شرکت نفت پدید آمده بود و علت آن این بود که شرکت امیدوار بود به وسیله آن قرارداد الحاقی را از تصویب مجلس بگذرانند. حتی در سال ۱۳۲۹ یعنی زمان حکومت رژیم آراکه شرکت نفت و دولت انگلیس برای حل مشکل نفت سخت به او امید بسته بودند، و از همین رو ۱۶ میلیون لیره علی‌الحساب در اختیار او گذاشتند باز این مبلغ فقط ۱۷/۸٪ کل درآمد دولت را تشکیل می‌داد! (۱۱)

سپس دوران حکومت دکتر مصدق و خلع ید از شرکت نفت انگلیس فرا رسید و اجرای سیاست اقتصادی بی‌نفت، و همه می‌دانند که در آن ۲۸ ماه درآمد دولت از صادرات نفت و فرآورده‌های آن تقریباً صفر بود. افزون بر این دولت مجبور بود مبالغ هنگفتی از درآمد خود را

بوده و کسری بودجه با ۶۳ میلیارد ریال وام تأمین شده است. (۱۲) به یاد یاوریم که طبق یادداشت‌های علم وزیر دربار و پارغارشاه در همین سال شاه منظم از کم بودن حجم استخراج نفت از طرف کنسرسیوم شکایت می‌کرده و خواستار افزایش آن بوده و حتی برای ترساندن آنها طرحی برای کشیدن لوله نفت از خلیج فارس به مرز شوروی اختراع کرده بوده است!!

همچنین در سال ۱۳۵۰ درآمد نفتی کشور ۱۵۵/۳ میلیارد ریال از ۲۸۹/۳ میلیارد کل درآمدها یعنی ۵۳/۶٪ آن بوده است. در سال ۱۳۵۲ عایدی دولت از نفت و گاز ۲۲۶/۵ میلیارد ریال از ۳۷۰ میلیارد کل درآمدها بوده یعنی ۶۸/۲ درصد آن را تشکیل می‌داده است. (۱۳) برای آخرین سالهای سلطنت شاه که به علت افزایش ناگهانی بهای نفت از هر بشکه ۳ دلار به ۱۲ دلار ارقام درآمد نفتی کشور به صورت سرگیجه‌آوری بالا رفته بود به همین بستند می‌کنیم که خود او در آخرین دفاعش اذعان کرده است که ۲۰ میلیارد از مجموع ۵۷ میلیارد کل درآمد آخرین بودجه زمان سلطنتش از محل نفت و گاز بوده است. (۱۴)

بگذریم از اینکه در جاهای دیگر همان کتاب این درآمد نفتی را ۲۱ و ۲۲ میلیارد ذکر کرده است و ۵۷ میلیارد درآمد کل هم به هیچ وجه معتبر نیست، معهذاً وقتی ۳۵٪ از بودجه کشوری از محل یک منبع درآمد فناپذیر مانند نفت تأمین می‌شود این نشانه تک محصولی بودن و مست بنیاد بودن اقتصاد آن کشور است. تازه این تمام مسئله نیست. باید دید این درآمد در چه راهی صرف می‌شده است.

شاه در همان کتاب یک فصل تمام را به شرح خریدهای کلان تسلیحاتی اش و برنامه‌های آینده خود در این زمینه تخصیص داده است. ولی نکته است این همه تانک و توپ و هواپیماهای گوناگون و ناوهای ریز و درشت را به چه بهایی تهیه کرده بوده است. آیا جز به بهای حراج نفت و صدور روزافزون این منبع درآمد حیاتی و پایان‌ناپذیر کشور ما؟! در ۱۳۵۶ روزنامه تایمز مالی و مجله اکونومیست نوشتند که او یک قلم ۸۰ میلیارد دلار (یعنی درآمد چهار سال نفت) قرارداد برای خرید تسلیحات از آمریکا در مدت ۶ سال بسته است. این طرز تحصیل درآمد و خرج کردن آن دقیقاً ویژگی یک اقتصاد تک محصولی بوده است!

اکنون به بینم وضع درآمد نفتی کشور و نسبت آن به درآمد کل دولت در سالهای پس از انقلاب چگونه بوده است. اگر نخستین سالهای نظام جمهوری اسلامی را که دولت گرفتار آتش‌بهای متعدد و آغاز جنگ تحمیلی بوده است کنار بگذاریم و از هنگامی که نظام صورت استقرار یافته داشته است شروع کنیم وضع به شرح جدول شماره یک بوده است. (۱۵)

بر درآمد نفت و گاز طبیعی متکی است پیش می‌رود. ما در اینجا نمی‌خواهیم به بررسی چنین اقتصادی بپردازیم و ویژگیهای اساسی آن را برشماریم. لیکن ناگزیریم تذکر دهیم که در چنین اقتصادی از یک سو تمام نهادهای اقتصادی وابسته به نفت و درآمد آن می‌باشند و از سوی دیگر سیاست عمومی کشور بگونه‌ای است که از حرکت کشور بسوی استقلال اقتصادی جلو می‌گیرد و درآمدهای نفت بجای آنکه صرف ساختن زیربنای ضروری و صنایع بنیادی و توسعه کشاورزی شود، یعنی منابع درآمد عمده دیگری فراهم آورد که بتواند جایگزین نفت شوند، به مصارف دیگری می‌رسد.

اکنون بد نیست نگاهی به آمار درآمد نفت در بعضی سالهای این دوران بیست و پنج ساله پیش از انقلاب اسلامی بیفکنیم و آنها را با کل درآمدهای هر سال بسنجیم. مثلاً در سال ۱۳۳۷ درآمد حاصل از نفت و گاز و مشابهات آنها در بودجه کل کشور (هادی و همرانی با هم) ۳۳/۲ میلیارد ریال و کل درآمدها ۱۸۸/۱ میلیارد ریال بوده است. بدین‌سان درآمد نفتی نزدیک به ۳۹٪ کل درآمدها را تشکیل می‌داده است، در حالی که درآمد مالیاتهای مستقیم فقط ۱۲/۹ میلیارد ریال و مالیاتهای غیرمستقیم ۳۵/۳ میلیارد و کل مالیاتها ۴۸/۳ میلیارد ریال یعنی جمعاً ۲۵/۶٪ کل درآمدها بوده‌اند. کسری واقعی بودجه این سال که از محل وام و اعتبار تأمین شده بیش از ۶۰ میلیارد ریال بوده است. در ۱۳۴۸ درآمد نفتی ۹۱/۵ میلیارد و کل درآمدها ۲۲۱/۴ میلیارد بوده‌اند یعنی درآمد نفتی ۴۱/۳٪ کل درآمدها را تشکیل می‌داده است در حالی که درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم ۶۲ میلیارد ریال

جدول مزبور نشان می‌دهد که گرچه جمع کل درآمدها تقریباً ثابت مانده و فقط در سال ۶۸ افزایش محسوس داشته، اما درآمد نفت روی هم رفته سیر نزولی کرده و از حدود ۴۰ درصد کل درآمدها به تقریباً ۲۰٪ کاهش یافته است. با در نظر گرفتن ادامه جنگ تحمیلی در این سالها و نیاز مبرم دولت به ارزهای معتبر این روند صحیح و مناسب به نظر می‌رسد. به ویژه با توجه به اینکه درآمد از محل مالیاتها جز در سال ۶۸ تقریباً ثابت مانده و جز در سال ۶۶ همواره بر درآمد نفت برتری داشته است. اگر این روند همچنان در سالهای بعد ادامه می‌یافت می‌شد درآمد نفت را در حد متدلی نگاه داشت و آن را بیشتر به سرمایه‌گذاری در کارهای عمرانی تخصیص داد. متأسفانه در سالهای اخیر این روند ادامه نیافت بلکه تا حدی معکوس شد. تا جالی که در بودجه سال آینده که اینک در مجلس شورای اسلامی مطرح است سهم درآمد نفت ۱۵/۵٪ از کل درآمدها و سهم درآمد مالیاتی ۱۹/۶٪ از آن است. این نشانه سلامت اقتصادی نیست.

چه سیاستی را باید پیش گیریم

اکنون از این تاریخچه نسبتاً طولانی که از سیر تحول اقتصادی کشورمان در زمینه استفاده از منابع نفت ذکر کردیم نتیجه گیری کنیم:

کشور ما در طول تاریخ چند هزار ساله خود همواره دارای اقتصادی چند محصولی بوده و جز در دوران کوتاه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که قدرتهای بزرگ بسود اقتصاد و سیاست و فرمانروایی خود آن را بسوی تک محصولی شدن کشاندند هیچ‌گاه اقتصادی تک محصولی نداشته است. کشور ما در این چند هزار سال روابط گسترده بازرگانی و اقتصادی در زمینه‌های متعدد با مناطق گوناگون جهان داشته و بخاطر

فعالیت اقتصادی چند کیفیتی‌اش در سراسر جهان شناخته و معروف شده بوده است. این وضع اقتصادی تاریخی اولاً ناشی از محیط طبیعی کشور ما بوده است که آمادگی برای تولید انواع گوناگون محصولات کشاورزی و صنعتی داشته و می‌توانسته است انواع کالاهای مرغوب مورد نیاز بازارهای جهانی را تولید و به کشورها و ملت‌های متنوع عرضه کند و خواستار فراوان در سراسر جهان داشته باشد.

کشور ما از لحاظ طبیعی دارای اراضی و سرزمینهای گسترده و با اقلیمهای متنوعی است که می‌تواند انواع محصولات کشاورزی از گندم و برنج و ذرت گرفته تا پنبه و نیشکر و چغندر قند و کتیرا تولید کند. همچنین ذخایر معدنی هنگفتی از انواع فلزات و ترکیبات شیمیایی دارد. بسیاری از این فلزات و مواد شیمیایی برای اولین بار در تاریخ در کشور ما کشف و استخراج شده است. از سوی دیگر محیط جغرافیایی و ژئوپلیتیک کشور

ما که در چهارراه تلاقی میان سه قاره بزرگ قرار گرفته، مستلزم ارتباطهای تنگاتنگ آن با شرق و غرب جهان بوده است. جاده ابریشم در طی هزاران سال ایران را از یکسو با چین و ختا و ختن و از سوی دیگر با روم و اروپا و مصر و مغرب متصل می‌ساخته است. ایران در طول قرن‌ها و هزاره‌ها با سه تمدن بزرگ در تماس دائم و وسیله ارتباط آنها با هم بوده است: تمدن خاور یعنی چین و هند، تمدن فرهنگی و اروپایی و تمدن اسلامی و عربی. چنین کشوری چگونگی می‌توانسته است تک محصولی باشد و فقط به تولید و فروش یک ماده خام برای صنعت دیگران بسنده کند.

تاریخچه‌ای که آوردیم به ما نشان می‌دهد که کشور ما حتی در سخت‌ترین دوره‌های انحطاط اقتصادی و فقر و ملذت خویش (مثلاً پیرامون جنگ بین‌المللی اول و جنگ جهانی دوم) هم بسوی تک محصولی شدن نرفته و به مجرد اینکه توانسته است، درآمد نفت را به عنوان ذخیره برای آیندگان نهاده و رو به اقتصاد چند محصولی آورده است. آزمایش پیرومندان «اقتصاد بدون نفت» در دوران حکومت مصدق آشکارا نشان می‌داد که حرف



نفت، که شاه در پیش گرفته بود، بازگردیم و بهره‌برداری از منابع نفت را بطور نامحدود و فروش آن را با شرایط آسان و مساعد شمار خویش قرار دهیم. باید حداقل نیاز مالی کشور را به درآمد نفت تعیین کنیم و از این حد فراتر نرویم، بلکه به تدریج و با پیشرفت برنامه توسعه عمرانی یکسویم حداقل مزبور را پایین بیاوریم. بخاطر داشته باشیم که در زمان حال، به ویژه پس از فروپاشی شوروی و پیدایش کشورهای تازه استقلال یافته‌ای مانند آذربایجان و قزاقستان که طبیعتاً تک محصولی نفتی‌اند، شرایط بازار بین‌المللی نفت برای صاحبان منابع نفت چندان مساعد نیست، و در وضعی که این گونه کشورها نفت خود را به حراج گذاشته‌اند، شرکتهای بزرگ نفتی خواهند کوشید قراردادهای جدید بهره‌برداری از منابع نفت را هر اندازه ممکن است بیشتر بسود خویش تنظیم کنند. البته این وضع گذراست و بزودی زمانی فرا خواهد رسید که می‌توان با شرایط بسیار بهتری از گذشته و حال معامله نفتی انجام داد.

نکته دیگری که باید استراژی نفتی کنونی ما را از زمان شاه مجزا و مشخص سازد، طریقه بهره‌برداری از درآمدهای نفتی است. او چنانکه دیدیم در این زمینه هم از همان راهی می‌رفت که شرکتهای بزرگ چند ملیتی می‌خواستند، یعنی بازگرداندن درآمدهای نفتی به کشورهای بزرگ صنعتی در برابر مشتی تسلیحات یا کالاهای مصرفی دیگر. این روش زیان بخش دیگر به هیچ وجه جایز نیست. درآمد نفت باید عمده‌تاً صرف کارهای عمرانی بنیادی شود؛ یعنی تاسیساتی به وجود آورد که خود مرلذ ثروت باشند و درآینده ما را از فروش نفت خام بی‌نیاز سازند. ما در فرصت دیگری در این زمینه سخن خواهیم گفت.

ماخذ

- ۱- مصطفی فاتح، «پنجاه سال نفت» ص ۳۱۲-۳۰۷
- ۲- روزنامه اطلاعات اسفند ۱۳۰۷
- ۳- اطلاعات ۲۵ اسفند ۱۳۰۷
- ۴- پنجاه سال نفت» ص ۳۱۲-۳۰۷
- ۵- همان جا
- ۶- اطلاعات فروردین و اسفند ۱۳۰۸
- ۷- مجله بانک ملی اردیبهشت ۱۳۱۸
- ۸- اقتصاد بدون نفت» ص ۲۳
- ۹- همان‌جا
- ۱۰- همان کتاب ص ۲۸
- ۱۱- همان‌جا
- ۱۲- ا. بنی‌صدر: «نفت و سلطه» ص ۷۵
- ۱۳- همان کتاب ص ۷۶
- ۱۴- «پاسخ به تاریخ» ترجمه شهیار ماکانی ص ۲۴۴
- ۱۵- مجله دایره در آینه شماره ۹ ص ۸۴-۱۸۳

آنهايي که مدعی بودند ایران بدون درآمد نفت یک ماه هم نمی‌تواند دوام بیاورد تا چه حد پوچ و بی‌پایه بوده است. اگر به گفته مصدق «با خدعه و نیرنگ و توپ و تانک» حکومت ملی او را سرنگون نساخته بودند و راه او چند دهه دوام آورده بود، اکنون ایران اگر به پای ژاپن و آلمان نمی‌رسید، مسلماً از سنگاپور و کره جنوبی بسی فراتر رفته بود.

اکنون به بنییم در شرایط کنونی چه سیاستی را باید در پیش گیریم و استراژی اقتصادی ما در مورد استفاده از منابع نفت چه باید باشد. شکی نیست که در شرایط کنونی با توجه به برنامه توسعه عمرانی که دولت بر عهده گرفته است و تنگنای ارزی و مالی که دارد، نمی‌توانیم از درآمد نفت و گاز دست بشویم. در این شرایط ناگزیر تا مدت محدودی ناچاریم بر درآمد نفت تکیه کنیم. اما این به آن معنا نیست که به سیاست «فروش هرچه بیشتر